

آزمودن مدل دلبستگی به پدر و مادر با اضطراب و افسردگی با میانجی گیری دلبستگی به خدا

خالد اصلانی^۱

استادیار مشاوره، دانشگاه شهید چمران

مرضیه قمری

دانش آموخته کارشناسی مشاوره، دانشگاه شهید چمران

شکوفه رمضانی

دانش آموخته کارشناسی مشاوره، دانشگاه شهید چمران

ملیحه خبازی

دانش آموخته کارشناسی مشاوره، دانشگاه شهید چمران

پذیرش: ۹۲/۸/۲۵

دریافت: ۹۲/۳/۱۹

چکیده

هدف: هدف این پژوهش آزمودن مدل دلبستگی به پدر و مادر با اضطراب و افسردگی با میانجیگیری دلبستگی به خدا بود. جامعه این پژوهش شامل کلیه دانش آموزان دبیرستانی شهرستان اهواز می‌باشد.

روش: روش این پژوهش تحلیل مسیر بود. در این مطالعه از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله استفاده شده و از بین کلیه دانش‌آموزان دبیرستانهای شهرستان اهواز ۳۱۹ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. ابزارهای مورد استفاده شامل مقیاس اضطراب بک، پرسشنامه دلبستگی به خدا، پرسشنامه سنجش دلبستگی به پدر، مادر و پرسشنامه افسردگی بک بودند.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که شاخص‌های مدل فرضی در حد قابل قبولی بود. نتایج نشان داد که روابط همبستگی غیرمستقیم بین دلبستگی به پدر و مادر و اضطراب با میانجی‌گری دلبستگی به خدا، دلبستگی به پدر و مادر و افسردگی با میانجی‌گیری دلبستگی به خدا معنی‌دار می‌باشد.

نتیجه‌گیری: براساس یافته‌های این پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که برای پیشگیری از اختلالات روانی مانند افسردگی و اضطراب، دلبستگی به پدر و مادر و دلبستگی به خدا را در برنامه‌های تربیتی جای داد.

واژگان کلیدی: دلبستگی به پدر، دلبستگی به مادر، دلبستگی به خدا، اضطراب، افسردگی.

مقدمه

دلبستگی به خدا^۱ یکی از مفاهیم جدیدی است که در روان‌شناسی و مشاوره مورد بررسی قرار گرفته است. این مفهوم، تحقیقات وسیعی را به خصوص در حوزه دلبستگی ایجاد کرده است. سروف^۲ (۱۹۹۷) به اهمیت نظام دلبستگی در انسجام ابعاد عاطفی، انگیزشی، شناختی و رفتاری تأکید کرده است. او معتقد است، کیفیت دلبستگی افراد نقش عمده‌ای، در سلامت روانی و رضایت در روابط بین فردی بر عهده دارد. کاسیدی و شیور^۳ (۲۰۰۸) در توجیه رابطه سبک دلبستگی و سلامت روان اشاره می‌کنند که پیامد فرآیند دلبستگی ایمن، ایجاد احساس ایمنی در فرد است و پیامد دلبستگی‌های نایمن، ایجاد ترس و وحشت در فرد است. رابرتز، گاتلیب و کاسل^۴ (۱۹۹۶) در توجیه این رابطه بر این عقیده‌اند که پیامد روان‌شناختی سبک‌های دلبستگی نایمن در شرایط تنش زا اضطراب و افسردگی است و پیامد روان‌شناختی سبک دلبستگی ایمن در چنین شرایطی آرامش روانی است. نتایج سافورد^۵ (۲۰۰۲) نشان داد که افراد با دلبستگی نایمن با احتمال بیشتری اضطراب و افسردگی را تجربه می‌کنند. میکولینسر و شیور، پرگ^۶ (۲۰۰۳) دریافتند که بین سبک دلبستگی ایمن با سلامت روان، رابطه مثبت معنی دار و بین سبک‌های دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا با سلامت روان، رابطه منفی معنی داری وجود دارد. برادشاو، الیسون و فلانلی^۷ (۲۰۰۸) نیز دریافتند که بین تصویر ذهنی مثبت از خدا، گستره وسیعی از نشانگان رفتاری شامل افسردگی و اضطراب همبستگی منفی و معنا داری وجود دارد. در حقیقت افراد با دلبستگی ایمن به خدا، اضطراب، تنهایی، افسردگی و سطوح پایینی از آشفتگی‌های روان‌شناختی و سطوح بالاتری از رضایت از زندگی نشان می‌دهد (برادشاو،

1. attachment to God
2. Sroufe
3. Cassidy & Shaver
4. Roberts, Gotlib, & Kassel
5. Safford
6. Mikulincer, Shaver, & Pereg
7. Bradshaw, Ellison, & Flannelly

الیسون و مارکوم^۱، ۲۰۱۰؛ هومان و بویاتزیس^۲، ۲۰۱۰). شیوع سطوح بالاتر اثرات منفی بر افراد با الگوهای دلبستگی ناایمن (کول-دتک و کوباک^۳، ۱۹۹۶؛ گیلبرت^۴، ۲۰۰۷؛ توسکا، کووال، بالفور، ریچی، ویرلی و بیسادا^۵، ۲۰۰۶ و وی، وگل، توسان-یاو و زاکالیک^۶، ۲۰۰۵) همراه با ظهور افسردگی (رابرتز، گاتلیب و کاسل، ۱۹۹۶) اضطراب، میزان معنادار آشفته‌گی، تنش بین فردی و احساس تنهایی دیده می‌شود. وی، وگل، توسان-یاو و زاکالیک (۲۰۰۵) دریافتند که راهبردهای دلبستگی اجتنابی و اضطرابی به طور کامل بین دلبستگی ناایمن و تاثیرات منفی میانجیگری می‌کنند.

فلانلی، گالک، الیسون و کونینگ^۷ (۲۰۰۹) به این نتیجه رسیدند که افراد با تصویر ذهنی مثبت از خدا، شکایت جسمانی، افسردگی و اضطراب پایین تری از دیگران دارند. کافتسیوس و سیدریلوس^۸ (۲۰۰۶) دریافتند که خلق و خوی افسرده از روی فشارهای روانی ادراک شده و دلبستگی نا ایمن قابل پیش بینی است. براون و بایفلکو^۹ (b ۱۹۸۶) نشان دادند که مراقبت نامناسب از کودکان به دنبال فقدان مراقب اولیه، ریسک افسردگی در بزرگسالی را چندین برابر می‌کند. کاسکو، دورال، پینار، یشیم، یایلا، بشران و تورها^{۱۰} (۲۰۰۹) نیز نشان دادند که افسردگی را می‌توان از روی دلبستگی دوسوگرا و حمایت‌های احتمالی ادراک شده خانواده پیش‌بینی کرد. ارتباط بین روابط والد-کودک با تصور از خدا را در افراد کاتولیک نیز بررسی شده است (جایت، ۱۹۹۱، نقل از کیرکپاتریک و هازن^{۱۱}، ۱۹۹۴). نتایج نشان داده‌اند، عامل تصور از خدا با روابط والد-کودک ارتباط قوی دارد. ابعاد دلبستگی به خدا به طور متفاوتی با

1. Bradshaw, Ellison & Marcum,
2. Homan, & Boyatzis
3. Cole-Detke & Kobak
4. Gilbert
5. Tasca, Kowal, balfour, Ritchie, Virley & Bissada
6. Wei, Vogel, Tsun-Yao, & Zakalik
7. Flannelly, Galek, Ellison, & Koenig
8. Kafestsios & Sideridis
9. Brown & Bifulco
10. Kuşcu, Dural, Pınar, Yeşim, Yayla, Başaran, & Turhal
11. Kirkpatrick, & Hazan,

برون‌دادهای روانشناختی همبستگی دارند. بخصوص دلبستگی اضطرابی به خدا با عواطف منفی و اضطراب کلی همبستگی دارد و در حالی که دلبستگی اجتنابی به خدا رابطه معنی داری با این متغیرها ندارد (روات و کیرکپاتریک^۱، ۲۰۰۲). سپاه منصور، شهابی زاده و الهه خوشنویس (۱۳۸۷) دریافتند که فقط بین دلبستگی ناایمن نوجوانان با ادراک دلبستگی ایمن و ناایمن نسبت به پدر و مادر رابطه وجود دارد. بدین ترتیب که سبک دوسو گرای نوجوانان با ادراک دلبستگی ایمن به پدر رابطه منفی و با ادراک دلبستگی اجتنابی نسبت به پدر و مادر و ادراک دلبستگی دوسوگرا با مادر رابطه مثبت معنادار وجود دارد. افزون بر این، بین سبک اجتنابی نوجوانان با ادراک دلبستگی اجتنابی نسبت به پدر و مادر و ادراک دلبستگی دوسوگرا نسبت به مادر رابطه مثبت وجود دارد. هم چنین نتایج نشان می‌دهد که بین سبک‌های دلبستگی نوجوان و سبک دلبستگی به خدا با دلبستگی ایمن نوجوان و نیز سبک‌های ناایمن نسبت به خدا با سبک‌های دلبستگی ناایمن نوجوانان ارتباط مثبت وجود دارد.

کیرکپاتریک و شیور^۲ (۱۹۹۲) میزان مذهبی بودن افراد دلبسته ناایمن را پیامد پویایی‌های نظام دلبستگی دانسته‌اند. نتایج مطالعه کیرکپاتریک و شیور (۱۹۹۲) نشان دادند که بزرگسالان ایمن نسبت به دو گروه ناایمن خدا را بیشتر مهربان و کمتر غیرقابل دسترس، دور و کنترل کننده توصیف کردند. همچنین بزرگسالان ایمن بالاترین سطح تعهد مذهبی را داشتند در حالیکه بزرگسالان اجتنابی در مقایسه با دو گروه دیگر نسبت به مذهب بی تفاوت و افراد دوسوگرا نسبه به خدا بی‌اعتقادتر بودند. نایبی‌نیا، سالاری و مدرس غروی (۱۳۹۰) دریافتند که دلبستگی به مادر می‌تواند به عنوان یک نوع دلبستگی ایمن عمل نماید و افراد را به سمت سلامت روان سوق دهد اما در مورد پدر چنین تفسیری امکان پذیر نیست و با توجه به ارتباط مثبت میان دلبستگی وابسته به پدر با اضطراب و افسردگی چنین نتیجه‌گیری می‌شود که وابستگی دختران به پدر شاید در مراحل اولیه شروع مشکلات روان‌شناسی به عنوان میانجی

1. Rowatt & Kirkpatrick
2. Kirkpatrick & Shaver

عمل نماید، اما با شدیدتر شدن و استمرار علایم حتی گاه به وخامت اوضاع می‌انجامد. پرسینگر^۱ (۱۹۹۸ به نقل از کاسیدی و شیور، ۱۹۹۹) معتقد است زمانی که شخص درمانده است همان ارتباطی را با خدا برقرار می‌کند که در خلال کودکی با والدین خود داشته است. هیل^۲ (۲۰۰۸) معتقد است که دلبستگی اضطرابی به خدا به صورت بخشی میانجی میان دلبستگی نایمن با نشانگان افسردگی می‌باشد. کیرکپاتریک و شیور (۱۹۹۰) یکی از اولین مطالعات را برای بررسی نحوه اثرگذاری دلبستگی کودکی با اعتقادات مذهبی و رابطه با خدا انجام دادند. آنها دریافتند که افراد با دلبستگی اجتنابی برخاسته از خانواده‌های غیر مذهبی از دلبستگی به خدا به عنوان جبرانی برای دلبستگی اجتنابی به والدین خود به خصوص مادر استفاده می‌کنند. در بسیاری از تحقیقات دلبستگی به خدا میانجی بین بهزیستی روانی و سلامت روانی می‌باشد (شالون^۳، ۲۰۰۷). همچنین میانجی بین اضطراب، تنهایی و بهزیستی روانشناختی بوده است (کیرکپاتریک، و شیور، ۲۰۰۲؛ کیرکپاتریک، شلیتو و کلاس^۴، ۱۹۹۹؛ و پولنر^۵، ۱۹۸۹). در مطالعه دیگری دلبستگی به خدا میانجی میان دینداری و سلامت روان بوده است. به نظر می‌رسد دلبستگی به خدا به افراد این اعتماد به نفس را می‌دهد که با چالش‌های کنونی و آتی روبرو شود (سیم و لوح^۶، ۲۰۰۳). مطالعه مک دونالد، بک، آلیسون و نورسورثی^۷ (۲۰۰۵) بر روی دلبستگی والد فرزند و دلبستگی به خدا نشان داد که ادراک فقدان گرمی، تمایل و حمایت والدین با افزایش میزان اجتناب از خدا ارتباط دارد. کیرکپاتریک و شیور (۱۹۹۲) گزارش دادند افرادی که دارای دلبستگی ایمن به خدا هستند، دارای رضایت از زندگی بالاتر و اضطراب، افسردگی و تنهایی کمتری نسبت به افراد دارای دلبستگی نایمن هستند. براساس پیشینه تحقیقاتی که عنوان شد این پژوهش در پی بررسی روابط مستقیم و غیرمستقیم میان

1. Persinger
2. Hill
3. Shaalon
4. Kirkpatrick, Shillito & Kellas
5. Pollner
6. Sim & Loh
7. McDonald, Beck, Allison & Norsworthy

دل‌بستگی به پدر و دل‌بستگی به مادر با اضطراب و افسردگی با میانجیگری دل‌بستگی به خدا می‌باشد. براین اساس این تحقیق در پی آزمایش مدل فرضی ذیل می‌باشد.

روش

پژوهش حاضر، یک پژوهش همبستگی از نوع تحلیل مسیر است. در این پژوهش رابطه همبستگی ساده بین متغیرهای تحقیق و روابط غیرمستقیم آنها نیز مورد بررسی قرار گرفته است. جامعه‌ی آماری پژوهش حاضر شامل کلیه دانش آموزان دبیرستانی شهرستان اهواز می‌باشد. در این مطالعه از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله استفاده شده و از بین کلیه دانش آموزان دبیرستانهای شهرستان اهواز ۳۱۹ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند.

ابزار پژوهش: مقیاس اضطراب بک: پرسشنامه‌ای است دارای ۲۱ آیتم برای ارزیابی شدت اضطراب که توسط بک و همکاران در سال ۱۹۸۱ ساخته شده است. ضریب آلفای کرانباخ ۰/۹۲ و ضریب اعتبار پیش آزمون - پس آزمون ۰/۷۵ در مطالعه بک و استریر^۱ (۱۹۸۴) محاسبه شده است. ضریب پایایی از طریق روش الفای کرانباخ در پژوهش حاضر ۰/۸۹ گزارش می‌شود.

دل‌بستگی به خدا: یک فهرست ۲۸ موردی بر پایه تجارب در مقیاس روابط نزدیک (برنان، کلارک و شیور^۲، ۱۹۹۸) ساخته شده است و ابعاد دل‌بستگی اضطرابی و اجتنابی در رابطه با خدا ارزیابی می‌کند. این پرسشنامه متشکل از مقیاس فرعی اضطرابی (۱۴ آیتم) و مقیاس فرعی اجتنابی (۱۴ آیتم) می‌باشد. بک و مک دونالد^۳ (۲۰۰۴) با استفاده از نمونه ۱۱۷ نفری از دانشجویان دوره لیسانس (۵۸ زن و ۵۹ مرد)، آلفای کرانباخ ۰/۸۵ (برای مقیاس فرعی اضطرابی) و ۰/۸۸ (برای مقیاس فرعی اجتنابی) را گزارش کردند. پرسشنامه دل‌بستگی به خدا، همچنین با مطالعه نمونه‌ای از جامعه ۱۰۹ نفری از افراد بزرگسال (۶۶ زن و ۴۳ مرد) تأیید شد.

1. Beck & Streer
2. Brennan, Clark & Shaver
3. Beck & McDonald

این پرسشنامه ساختار عاملی خوبی را نشان داد و ضریب ثبات دورنی خوبی را (اجتنابی = ۰/۸۶ و اضطرابی = ۰/۸۷) نشان داده است. این پرسشنامه با مقیاس فرعی بهزیستی مذهبی از مقیاس بهزیستی معنوی $T = -0/61$ (برای مقیاس فرعی اضطرابی) و $T = -0/62$ (برای مقیاس فرعی اجتنابی) را نشان داده است.

پرسشنامه سنجش دلبستگی به پدر، مادر و همسال: این پرسشنامه در سال ۱۹۸۷ توسط آرمسدن و گرینبرگ^۱ (۱۹۸۷) ساخته شد. این آزمون دارای سه بخش جداگانه می باشد که عبارت است از ۱- دلبستگی به مادر ۲- دلبستگی به پدر ۳- دلبستگی به همسال. هر یک از بخش‌های این پرسشنامه دارای ۲۵ سوال است که روی هم رفته شامل ۷۵ سوال می باشد. قابل ذکر است که محققان پژوهش حاضر فقط از دو بخش این پرسشنامه یعنی دلبستگی به مادر و پدر استفاده کردند. این پرسشنامه دارای اعتبار همزمان بالایی می باشد. ماده‌ها با مقیاس افسردگی، تنهایی همبستگی منفی نشان دادند. همچنین با عزت نفس، رضایت از زندگی و ناامیدی کمتر، رابطه مثبتی به دست آمده است. همچنین دارای اعتبار خوبی برای گروه‌های شناخت شده نوجوانان جوانتر بزهکار و غیر بزهکار با فرق گذاشتن بین آنها می باشد (آرمسدن و گرینبرگ، ۱۹۸۷). در تحقیق نصرتی (۱۳۸۳) تحت عنوان «بررسی رابطه‌ی تحولی پایگاه‌های هویت و میزان دلبستگی در نوجوانان ۱۴، ۱۶ و ۱۸ ساله شهرستان کامیاران» که بر روی ۳۰ نفر دانش‌آموز پایه‌های سوم راهنمایی، دوم دبیرستان و پیش‌دانشگاهی انجام شد، آلفای کرونباخ دلبستگی به مادر ۰/۸۳، دلبستگی به پدر ۰/۸۳ را ذکر نموده است: ضریب پایایی از طریق روش آلفای کرونباخ در پژوهش حاضر در دلبستگی حاضر در دلبستگی به مادر ۰/۸۹ و در دلبستگی به پدر ۰/۸۸ گزارش می شود.

پرسشنامه افسردگی بک: پرسشنامه ۱۳ ماده ای افسردگی بک، نسخه خلاصه شده فرم ۲۱ ماده ای افسردگی بک می باشد که اولین بار در سال ۱۹۶۱ توسط بک، معرفی شد و در سال

1. Armesden & Greenberg

۱۹۷۲ مورد تجدیدنظر قرار گرفت و در سال ۱۹۷۸ انتشار یافت (بک، راش، شاو و امری^۱، ۱۹۷۹). رینولد و گلد^۲ (۱۹۸۱) پایایی همسانی درونی ۰/۸۳ را برای پرسشنامه و ۱۳ ماده‌ای افسردگی بک گزارش دادند. بک و همکاران (۱۹۸۸)، به نقل از مهرابی‌زاده، هنرمند، (۱۳۷۵) قابلیت پایایی این پرسشنامه را بر حسب فاصله زمانی بین دو آزمون و نوع جمعیت مورد مطالعه، از ۰/۴۸ تا ۰/۸۶ گزارش کردند. در یک بررسی بک، وسمین، لستر و ترکسلر^۳ (۱۹۷۴) از طریق همبسته کردن نمره‌های پرسشنامه کوتاه افسردگی بک و درجه بندهای متخصص بالینی برای یک نمونه افسرده بستری و بیماران مراجعه کننده به پزشکان عمومی، به ترتیب روایی ۰/۵۵ و ۰/۶۷ را گزارش کردند.

یافته‌ها

جدول ۱. یافته‌های توصیفی مربوط به متغیرهای مستقل و میانجی و وابسته را نشان می‌دهد.



جدول ۱. تعداد، حداقل و حداکثر نمره، میانگین، انحراف استاندارد متغیرهای مورد

مطالعه

| متغیرها | تعداد | حداقل نمره | حداکثر نمره | میانگین | انحراف استاندارد |
|-------------------------|-------|------------|-------------|---------|------------------|
| دل‌بستگی به پدر | ۳۱۹ | ۲۵ | ۱۲۱ | ۶۳/۶۱ | ۱۷/۸۳ |
| دل‌بستگی به مادر | ۳۱۹ | ۲۵ | ۱۰۸ | ۵۷/۰۶ | ۱۷/۶۴ |
| دل‌بستگی اضطرابی به خدا | ۳۱۹ | ۲۰ | ۹۵ | ۵۶/۵۸ | ۱۲/۴۱ |
| دل‌بستگی اجتنابی به خدا | ۳۱۹ | ۲۲ | ۷۲ | ۳۸/۹۹ | ۸/۸۸ |
| اضطراب | ۳۱۹ | ۰/۰۰ | ۵۴ | ۱۷/۹۴ | ۱۱/۴۲ |
| افسردگی | ۳۱۹ | ۲ | ۶۹ | ۳۱/۱۶ | ۷/۸۵ |

1. Beck, Rush, Shaw & Emery
2. Reynold, & Gould
3. Beck, Weisman, Lester & Trexler

همان طور که در جدول (۱) مشاهده می‌شود میانگین و انحراف استاندارد دل‌بستگی به پدر به ترتیب ۶۳/۶۱ و ۱۷/۸۳ و میانگین و انحراف استاندارد دل‌بستگی به مادر به ترتیب ۵۷/۰۶ و ۱۷/۶۴ و میانگین و انحراف استاندارد دل‌بستگی اضطرابی به خدا به ترتیب ۵۶/۵۸ و ۱۲/۴۱ و میانگین و انحراف استاندارد دل‌بستگی اجتنابی به خدا به ترتیب ۳۸/۹۹ و ۸/۸۸ و میانگین و انحراف استاندارد اضطراب به ترتیب ۱۷/۹۴ و ۱۱/۴۲ و میانگین و انحراف استاندارد افسردگی به ترتیب ۳۱/۱۶ و ۷/۸۵ می‌باشد. جدول ۲. ضرایب همبستگی پیرسون میان متغیرهای مورد مطالعه را نشان می‌دهد.

جدول ۲. ضرایب همبستگی بین متغیرهای مورد مطالعه

| | ۵ | ۴ | ۳ | ۲ | ۱ |
|-------------------------|--------|----------|---------|----------|---------|
| اضطراب | | | | | - |
| دل‌بستگی به مادر | | | | - | ۰/۲۷۱** |
| دل‌بستگی به پدر | | | - | ۰/۵۴۲** | ۰/۲۸۰** |
| افسردگی | | - | ۰/۴۱۶** | -۰/۴۱۳** | ۰/۴۳** |
| دل‌بستگی اضطرابی به خدا | - | -۰/۲۴۱** | ۰/۱۸۵** | ۰/۱۶۷** | ۰/۲۶۸** |
| دل‌بستگی اجتنابی به خدا | -۰/۰۲۳ | -۰/۱۱۵* | ۰/۱۲۹* | ۰/۲۰۲** | ۰/۰۵۳ |

**P<۰/۰۱ *P<۰/۰۵

همان طور که در جدول (۲) ملاحظه می‌شود، ضرایب همبستگی بین دل‌بستگی به مادر و اضطراب ۰/۲۷۱، دل‌بستگی به پدر و اضطراب ۰/۲۸۰، دل‌بستگی اضطرابی به خدا و اضطراب ۰/۲۶۸ می‌باشد و ضرایب همبستگی بین دل‌بستگی به مادر و افسردگی ۰/۴۱۳، دل‌بستگی به مادر و دل‌بستگی اضطرابی به خدا ۰/۱۶۷، دل‌بستگی به مادر و دل‌بستگی اجتنابی به خدا ۰/۲۰۲ می‌باشد و ضرایب همبستگی بین دل‌بستگی به پدر و افسردگی ۰/۴۱۶، دل‌بستگی به پدر و دل‌بستگی اضطرابی به خدا ۰/۱۸۵، دل‌بستگی به پدر و دل‌بستگی اجتنابی به خدا ۰/۱۲۹ می‌باشد و

ضرایب همبستگی بین دل‌بستگی اجتنابی به خدا و افسردگی ۰/۲۴۱-، دل‌بستگی اضطرابی به خدا و افسردگی ۰/۱۱۵- می باشد.

جدول ۳. مدل نهایی رابطه بین دل‌بستگی به پدر و مادر با میانجی‌گری دل‌بستگی به خدا بر روی اضطراب و افسردگی دانش آموزان

| مدل | X ² | P | X ² /df | Df | RMSEA | GFI | CFI | NFI |
|-----|----------------|-------|--------------------|----|-------|------|------|------|
| | ۲۰/۵۵ | ۰/۰۰۸ | ۲/۵۷ | ۸ | ۰/۰۷ | ۰/۹۸ | ۰/۹۶ | ۰/۹۴ |

همانطور که در جدول (۳) ملاحظه می‌شود مجذور کای مدل فرضی برابر با ۲۰/۵۵ با درجه آزادی df=۸ در سطح آماري $p < 0/008$ معنی دار است. دیگر شاخص‌های آماری در مدل فرضی $NFI=0/94$ ، $CFI=0/96$ ، $GFI=0/98$ ، $RMSEA=0/07$ و $NFI=0/94$ حاکی از آن است که مدل فرضی برازش خوبی دارد. یافته‌های مربوط به مسیرهای مستقیم الگوی که شامل ضرایب استاندارد و غیر استاندارد مسیرهای مستقیم مدل نهایی دانش آموزان می باشد، در جدول (۴) ارائه شده است.

۴۲۹

جدول ۴. ضرایب استاندارد و غیر استاندارد مسیرهای مستقیم در مدل نهایی

| مسیرها | β | B | S.E | C.R | p |
|-------------------------------------|---------|--------|-------|-------|-------|
| دل‌بستگی به مادر به دل‌بستگی به خدا | ۰/۳۴۱ | ۰/۰۸۳ | ۰/۰۲۳ | ۳/۶۱ | ۰/۰۰۱ |
| دل‌بستگی به پدر به دل‌بستگی به خدا | ۰/۳۵۳ | ۰/۰۸۴ | ۰/۰۲۳ | ۳/۶۸ | ۰/۰۰۱ |
| دل‌بستگی به خدا به اضطراب | ۰/۵۵۳ | ۱/۴۷۹ | ۰/۳۱۲ | ۴/۷۳ | ۰/۰۰۱ |
| دل‌بستگی به خدا به افسردگی | -۰/۷۶۹ | -۱/۴۱۴ | ۰/۲۹ | -۴/۸۷ | ۰/۰۰۱ |

همان طور که در جدول (۴) مشاهده می‌شود ضرایب استاندارد، غیر استاندارد، خطای استاندارد، نسبت بحرانی و سطح معنی داری دل‌بستگی به مادر و دل‌بستگی به خدا ($\beta=0/341$)، $B=0/083$ ، $S.E=0/023$ ، $C.R=3/61$ ، $P=0/001$ دل‌بستگی به پدر و دل‌بستگی به خدا

$\beta=0/353$ ، $B=0/084$ ، $S.E=0/023$ ، $C.R=3/68$ ، $P=0/001$) دل‌بستگی به خدا و اضطراب
 ($\beta=0/553$ ، $B=1/479$ ، $S.E=0/312$ ، $C.R=4/73$ ، $P=0/001$) دل‌بستگی به خدا و افسردگی
 ($\beta=-0/769$ ، $B=-1/414$ ، $S.E=0/029$ ، $C.R=-4/87$ ، $P=0/001$) به دست آمده‌اند. که نشان
 دهنده معنی دار بودن مسیرهای مستقیم در مدل نهایی می‌باشند.

جدول (۵) نتایج حاصل از بوت استراپ را در ارتباط با رابطه بین دل‌بستگی به پدر و افسردگی با میانجی‌گری دل‌بستگی به خدا، رابطه بین دل‌بستگی به پدر و اضطراب با میانجی‌گری دل‌بستگی به خدا، رابطه بین دل‌بستگی به مادر و افسردگی با میانجی‌گری دل‌بستگی به خدا، رابطه بین دل‌بستگی به مادر به اضطراب با میانجی‌گری دل‌بستگی به خدا نشان می‌دهد.

جدول ۵. نتایج بوت استراپ مسیرهای غیرمستقیم متغیرهای پژوهش

| فاصله اطمینان | | P | مسیرهای غیر مستقیم |
|---------------|---------|-------|--|
| در حد پایین | حد بالا | | |
| -0/078 | -0/166 | 0/001 | دل‌بستگی به پدر و افسردگی با میانجی‌گری دل‌بستگی به خدا |
| 0/179 | 0/079 | 0/001 | دل‌بستگی به پدر و اضطراب با میانجی‌گری دل‌بستگی به خدا |
| -0/072 | -0/162 | 0/001 | دل‌بستگی به مادر و افسردگی با میانجی‌گری دل‌بستگی به خدا |
| 0/174 | 0/075 | 0/001 | دل‌بستگی به مادر و اضطراب با میانجی‌گری دل‌بستگی به خدا |

اطلاعات جدول (۵) نشان می‌دهد که مسیر غیرمستقیم دل‌بستگی به پدر و افسردگی با میانجی‌گری دل‌بستگی به خدا دارای حد پایین ۰/۱۶۶- و حد بالای ۰/۰۷۸-، مسیر غیر مستقیم دل‌بستگی به پدر و اضطراب با میانجی‌گری دل‌بستگی به خدا دارای حد پایین ۰/۰۷۹ و حد بالای ۰/۱۷۹، مسیر غیر مستقیم دل‌بستگی به مادر و افسردگی با میانجی‌گری به خدا دارای حد پایین ۰/۱۶۲- و حد بالای ۰/۰۷۲- و دل‌بستگی به مادر و اضطراب با میانجی‌گری دل‌بستگی به خدا دارای حد پایین ۰/۰۷۵ و حد بالای ۰/۱۷۴ می‌باشد. قرار نگرفتن صفر در این فاصله‌ها حاکی از معنی داری این مسیرهای غیر مستقیم می‌باشد.

نتیجه گیری

بین دلبستگی به پدر و مادر و دلبستگی به خدا رابطه مثبت معنی دار وجود دارد. این یافته با یافته های کاسیدی و شیور (۲۰۰۸)، رابرتز، گاتلیب و کاسل (۱۹۹۶)، میکولینسر، شیور و پرگ (۲۰۰۳)، براون و بایفلکو (b ۱۹۸۶)، (روات و کیرکپاتریک، ۲۰۰۲)، (جایت، ۱۹۹۱، نقل از کرک پاتریک، ۱۹۹۴)، روات و کیرکپاتریک (۲۰۰۲) و سپاه منصور، شهابی زاده و الهه خوشنویس (۱۳۸۷) مشابه است. دلبستگی به مادر برای رشد سالم اهمیت حیاتی دارد. طبق نظر بالبی (۱۹۸۲)، دلبستگی زمانی به وجود می آید که رابطه گروه صمیمانه و یا بین مادر و کودک که برای هر دو رضایت بخش و مایه خوشی است، وجود داشته باشد. بالبی (۱۹۸۲) اظهار می کند نتیجه عمده کنش متقابل بین مادر و کودک، به وجود آمدن نوعی دلبستگی عاطفی بین فرزند و مادر است. در حقیقت شکل تجربه عشق نسبت به خدا، دقیقاً شبیه دلبستگی کودک-مادر است (کرک پاتریک، ۱۹۹۴). بدین ترتیب می توان نتیجه گرفت دو ویژگی ارتباط با موضوع دلبستگی و عاطفه و هیجانی که خودباوری تجربه می کند در ارتباط با خدا نیز وجود دارد (بالبی، ۱۹۵۰، به نقل از کرک پاتریک، ۱۹۹۴، و کرک پاتریک و شیور، ۱۹۹۲). پدرها بالقوه می توانند به اندازه مادران، بچه ها را تحریک کنند و به علامت های ویژه آنان پاسخ دهند و به این ترتیب والدین هر دو می توانند عناصر مهمی برای رشد اجتماعی اولیه کودک در اختیار او بگذارند (پارک، ۱۹۸۱، ترجمه زمردیان، ۱۳۷۹). می توان نتیجه گرفت، در ویژگی ارتباط با موضوع دلبستگی و عاطفه و هیجانی که فرد باوری تجربه می کند در ارتباط با خدا نیز وجود دارد (کرک پاتریک، ۱۹۹۴، کرک پاتریک و شیور، ۱۹۹۲). نتایج پژوهش روات و کرک پاتریک (۲۰۰۲) نشان داد عامل تصور از خدا با روابط والد - کودک ارتباط قوی دارد. سپاه منصور، شهابی زاده و الهه خوشنویس (۱۳۸۷) دریافتند که بین سبک های دلبستگی نوجوان و سبک دلبستگی به خدا با دلبستگی ایمن نوجوان و نیز سبک های ناایمن نسبت به خدا با سبک های دلبستگی نا ایمن نوجوانان ارتباط مثبت وجود دارد.

بین دل‌بستگی به خدا و اضطراب رابطه مثبت معنی دار وجود دارد. نتایج این فرضیه با نتایج تحقیقات رابرتز، گاتلیب و کاسل (۱۹۹۶)، برادشاو، ایسون و فلانلی (۲۰۰۸)، فلانلی، گالک، ایسون و کونینگ (۲۰۰۹)، کیرکپاتریک، و شیور (۲۰۰۲)، کیرکپاتریک، شلیتو و کلاس (۱۹۹۹) پولینر (۱۹۸۹) و کیرکپاتریک و شیور (۱۹۹۲) ناهمسو می باشد. نتایج پژوهش‌ها دال بر آن است که معنویت و بهزیستی معنوی باید رابطه معکوسی با اضطراب داشته باشد. مثلاً یافته‌های هولزر (۲۰۱۱) نشان می دهد که بین بهزیستی معنوی و دینی از یک سو و اضطراب (شامل همه انواع آن) از سوی دیگر رابطه معکوس معناداری وجود دارد. پژوهش‌های دیگری نیز در خصوص اضطراب (شامل همه انواع آن) بیانگر رابطه منفی معنی دار بین بهزیستی و معنوی و دینی علائم اضطراب است (هیل و پارگامنت ۲۰۰۳، اسپری و شافرانکسی، ۲۰۰۵، براون، ۲۰۰۸، و پلانن، ۲۰۰۹، به نقل از هولزر، ۲۰۱۱). نتایج این پژوهش نشان داد که بین دل‌بستگی به خدا و اضطراب رابطه مثبت معنی دار وجود دارد و تبیین مؤلفین بر این است که هر چقدر دل‌بستگی به خدا و تعهد به آن بیشتر باشد اضطراب و دلهره‌ی آنها در انجام دادن درست کارهای روزمره بیشتر می شود و در نتیجه علائم اضطراب بیشتری را نشان می‌دهند.

بین دل‌بستگی به خدا و افسردگی رابطه منفی معنی دار وجود دارد. این یافته با یافته‌های برادشاو، ایسون و فلانلی (۲۰۰۸)، کافتسیوس و سیدریلوس (۲۰۰۶)، براون و بایفلکو (b) (۱۹۸۶)، کاسکو، دورال، پینار، یشیم، یایلا، بشران و تورهال (۲۰۰۹)، هیل (۲۰۰۸) و کیرکپاتریک و شیور (۱۹۹۲) همسو است. همان طور که پژوهش برادشاو، ایسون و فلانلی (۲۰۰۸) دریافتند که بین تصویر ذهنی مثبت از خدا، گستره وسیعی از نشانگان رفتاری شامل افسردگی و اضطراب همبستگی منفی و معناداری وجود دارد. در حقیقت افراد با دل‌بستگی ایمن به خدا، اضطراب، تنهایی، افسردگی و سطوح پایینی از آشفتگی‌های روان شناختی و سطوح بالاتری از رضایت از زندگی نشان می‌دهد (برادشاو، ایسون و مارکوم، ۲۰۱۰؛ هومان و بویاتزیس، ۲۰۱۰). فلانلی، گالک، ایسون و کونینگ (۲۰۰۹) به این نتیجه رسیدند که افراد با

تصویر ذهنی مثبت از خدا، شکایت جسمانی، افسردگی و اضطراب پایین‌تری از دیگران دارند. نتایج این پژوهش‌ها نشان از تأیید شدن نتیجه این فرضیه می‌باشد.

بین دل‌بستگی به پدر و مادر و افسردگی با میانجی‌گری دل‌بستگی به خدا رابطه معنی‌دار وجود دارد. این یافته با یافته‌های شالون (۲۰۰۷)، کیرکپاتریک، و شیور (۲۰۰۲)، کیرکپاتریک، شیلیتو و کلاس (۱۹۹۹)، پولینر (۱۹۸۹)، سیم و لوح (۲۰۰۳)، سروف (۱۹۹۷) و پرسینگر (۱۹۹۸) به نقل از کاسیدی و شیور، (۱۹۹۹) همسو است. در بسیاری از تحقیقات دل‌بستگی به خدا میانجی بین بهزیستی روانی و سلامت روانی می‌باشد (شالون، ۲۰۰۷). همچنین میانجی بین اضطراب، تنهایی و بهزیستی روانشناختی بوده است (کیرکپاتریک، و شیور، ۲۰۰۲؛ کیرکپاتریک، شیلیتو و کلاس، ۱۹۹۹؛ و پولینر، ۱۹۸۹). در مطالعه دیگری دل‌بستگی به خدا میانجی میان دینداری و سلامت روان بوده است. به نظر می‌رسد دل‌بستگی به خدا به افراد این اعتماد به نفس را می‌دهد که با چالش‌های کنونی و آتی روبرو شود (سیم و لوح، ۲۰۰۳). پرسینگر (۱۹۹۸) به نقل از کاسیدی و شیور، (۱۹۹۹) معتقد است زمانی که شخص درمانده است همان ارتباطی را با خدا برقرار می‌کند که در خلال کودکی با والدین خود داشته است. همان‌طور که سروف (۱۹۹۷) معتقد است تصویر ذهنی، می‌تواند به عنوان متغیر میانجی بین کیفیت دل‌بستگی سلامت روان عمل کند. محققین پژوهش حاضر معتقدند که از آنجایی که دل‌بستگی به پدر و مادر مقدمه‌ای برای دل‌بستگی به خدا است می‌توان با ایجاد دل‌بستگی ایمن به پدر و مادر، دل‌بستگی به خدا را ایجاد کرد و علایم افسردگی را به طور قابل ملاحظه‌ای کاهش داد.

بین دل‌بستگی به پدر و مادر و اضطراب با میانجی‌گری دل‌بستگی به خدا رابطه معنی‌دار وجود دارد. این یافته با یافته‌های کاسیدی و شیور (۱۹۹۷) و رابرتز، گاتلیب و کاسل (۱۹۹۶) و سافورد (۲۰۰۲) و برادشاو، الیسون و فلانلی (۲۰۰۸) و سپاه منصور، شهبایی زاده و خوشنویس (۱۳۸۷) مشابه است. همان‌طور که از یافته‌های سپاه منصور، شهبایی زاده و خوشنویس (۱۳۸۷) استنباط می‌شود که بین دل‌بستگی نایمن نوجوان که مقدمه اضطراب است با ادراک دل‌بستگی ایمن و نایمن نسبت به پدر و سبک دل‌بستگی نایمن نسبت به خدا رابطه وجود دارد. وی،

وگل، توسان-یاو و زاکالیک (۲۰۰۵) دریافتند که راهبردهای دلبستگی اجتنابی و اضطرابی به طور کامل بین دلبستگی نایمن و تأثیرات منفی میانجی‌گری می‌کنند.

سپاس و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم می‌دانند از همه دانش‌آموزانی که در این پژوهش شرکت کرده‌اند، تشکر و قدردانی می‌شود.

منابع فارسی

- سپاه منصور، مژگان؛ شهابی زاده، فاطمه؛ خوشنویس، الهه. (۱۳۸۷). ادراک دلبستگی کودکی، دلبستگی بزرگسال و دلبستگی به خدا. *فصلنامه روان‌شناسان ایران*، ۴(۱۵)، ۲۶۵-۲۵۳
- مهرابی زاده هنرمند، مهناز. (۱۳۷۵). بررسی تأثیر شناخت درمانگری در کاهش افسردگی و افزایش هماهنگی مؤلفه‌های خود پنداشت. رساله دکتری رشته روانشناسی. دانشگاه تربیت مدرس تهران
- نایی‌نیا، انورسادات؛ سالاری، پروین؛ مدرس غروی، مرتضی. (۱۳۹۰). بررسی ارتباط سبک دلبستگی بالغین به والدین با تنش، اضطراب و افسردگی. *مجله‌ی اصول بهداشت روانی*، سال ۱۳. ۲۰۲-۱۹۴.

منابع لاتین

- Armesden, G. C., & Greenberg, M. T. (1987). The inventory parent and peer attachment: Individual differences and their relationship to psychological well-being in adolescence. *Journal of Youth and Adolescence*, 16(1): 427- 453.
- Beck, A. T. & Streer, R. A. (1984). Beck Depression Inventory. The Psychological Corporation: New York .
- Beck, A. T., Weisman, A., Lester, D., & Trexler, L. (1974). The measurement of pessimist: The Hopelessness Scale. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 42, 861-865.

- Beck, A.T., Rush, A. J. Shaw, B. F., & Emery, G. (1979). Cognitive therapy of depression. Guilford press, New York.
- Beck, R., & McDonald, A. (2004). Attachment to God: The Attachment to God Inventory, tests of working model correspondence, and an exploration of Faith group differences. *Journal of Psychology and theology*, 32, 92-103.
- Bowlby, J. (1982). Attachment and loss: Vol. I Attachment. New York: Basic Books. (Original work published 1969).
- Bradshaw, M., Ellison, C. G., & Flannelly, K. J. (2008). Prayer, God imagery, and symptoms of psychopathology. *Journal for the Scientific Study of Religion*, 47, 644-659.
- Bradshaw, M., Ellison, C.G. & Marcum, J.P. (2010). Attachment to God, images of God, and psychological distress in a nationwide sample of Presbyterians. *The International Journal for the Psychology of Religion*, 20, 130-147.
- Brennan, K. A., Clark, C. L., & Shaver, P. R. (1998). Self-report measurement of adult attachment: An integrative overview. In J. A. Simpson & W. S. Rholes (Eds.), Attachment theory and close relationships (pp. 46-76). New York: Guilford.
- Brown GW, Bifulco A, Harris T, Bridge L (1986b) Life stress, chronic subclinical symptoms and vulnerability to clinical depression. *Journal of Affect Disorder* 11: 1-19
- Cassidy, J. & Shaver, P. R. (2008). Handbook of attachment: theory, research and clinical applications. New York, London; Guilford.
- Cassidy, J., & Shaver, P. R. (1999). Handbook of attachment: Theory, research and clinical application. New York: Guilford press.
- Cole-Detke, H. & Kobak, R. (1996). Attachment processes in eating disorder and depression. *Journal of Counseling and Clinical Psychology*, 64(2), 282-290.
- Flannelly, K.J; Galek, K; Ellison, C.G. & Koenig, H.G.(2009). Beliefs about God, Psychiatric Symptoms, and Evolutionary Psychiatry. *Journal of Religion Health*. DOI 10.1007/s10943-009-9244-z
- Gilbert, M.L. (2007). Insecure attachment, negative affectivity, alexithymia, level of emotional awareness, and body image disturbance as predictors of binge eating severity in women who binge. Retrieved from Proquest Dissertations & Theses. (AAT 3255523)
- Hill, M. K. (2000). Individual attachment styles and correspondence /compensation hypotheses in relation to depression and depressive experiences. Dissertation prepared for the degree of Doctor of Philosophy. University of North Texas.
- Holzer, K. (2011). Spiritual well-being and anxiety: The relationship and underlying constructs. Adler School of professional psychology, ProQuest Dissertations and Theses.
- Homan, K.J. & Boyatzis, C.J. (2010). The protective role of attachment to God against eating disorder risk factors: Concurrent and prospective evidence. *Eating Disorders*, 18, 239-258.
- Kafetsios, K. & Sideridis, G., D. (2006) Attachment, social support, and well-being in young and older adults. *Journal of Health Psychology* 11(6): 863-876.

- Kirkpatrick, L.A, and Hazan, C. (1994). Attachment styles and close relationships: A four-year perspective study. *Personal relationships*, 1, 193-142.
- Kirkpatrick, L. A., Shillito, D. J., & Kellas, S. L. (1999). Loneliness, social support, and perceived relationships with God. *Journal of Social and Personal Relationships*, 16, 513-522.
- Kirkpatrick, L.A, and Shaver, P.R (1992). An attachment the theoretical approach to romantic love and religious belief. *personality and social psychology Bulletin*, 18, 226-275.
- Kirkpatrick, L.A. & Shaver, P.R. (1990). Attachment theory and religion: Childhood attachments, religious beliefs, and conversion. *Journal for the Scientific Study of Religion*, 29, 315-334.
- Kuşcu, M. K.; Dural, U.; Ö., Pınar; Y., Yeşim; Yayla, M.; Başaran G. & Turhal, S. (2009). The association between individual attachment patterns, the perceived social support, and the psychological well-being of Turkish informal caregivers. *Psycho-Oncology*, 18, 927-935.
- McDonald, A., Beck, R., Allison, S., & Norsworthy, L. (2005). Attachment to God and Parents: Testing the Correspondence vs. Compensation Hypotheses. *Journal of Psychology and Christianity*, 24, 21-28.
- Mikulincer, M., Shaver, P.R. & Pereg, D. (2003). Attachment theory and affect regulation: Motivation and Emotion, 27(2), 77-102.
- Pollner, M. (1989). Divine relations, social relations, and well-being. *Journal of Health and Social Behavior*, 30, 92-104.
- Reynold, W. M. & J. W. Gould, (1981). A psychometric investigation of the standard and short form of the Beck Depression Inventory. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, v 49,
- Roberts, J.E., Gotlib, I.H., & Kassel, J.D. (1996). Adult attachment styles and symptoms of depression: The mediating role of dysfunctional attitudes and low self-esteem. *Journal of Personality and Social Psychology*, 70, 310-320.
- Rowatt, W. C. & Kirkpatrick, L. A. (2002.) Two Dimensions of Attachment to God and Their Relation to Affect, Religiosity, and Personality Constructs. *Journal for the Scientific Study of Religion* 41:4 637-651
- Safford, S. M. (2002). The relationship of attachment style and cognitive style to depression, anxiety and negative affectivity. Ph.D.Dissertaion. Temple university.
- Shaalon, J. (2007). The mediating role of god attachment between religiosity and spirituality and psychological adjustment in young adults. Presented in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree Doctor of Philosophy in the Graduate School of The Ohio State University.
- Sim, T. N., & Loh, B. S. M. (2003). Attachment to God: Measurement and dynamics. *Journal of Social and Personal Relationships*, 20, 373-389.
- Sroufe, L. A. (1997). Psychopathology as an outcome of development. *Development and Psychopathology*, 9, 251-268.

- Tasca, G.A., Kowal, J., balfour, L., Ritchie, K., Virley, B. & Bissada, H. (2006). An attachment insecurity model of negative affect among women seeking treatment for an eating disorder. *Eating Behaviors*, 7, 252-257.
- Wei, M., Vogel, D.L., Tsun-Yao, K. & Zakalik, R.A. (2005). Adult attachment, affect regulation, negative mood, and interpersonal problems; The mediating roles of emotional reactivity and emotional cutoff. *Journal of Counseling Psychology*, 52(1), 14-24.

